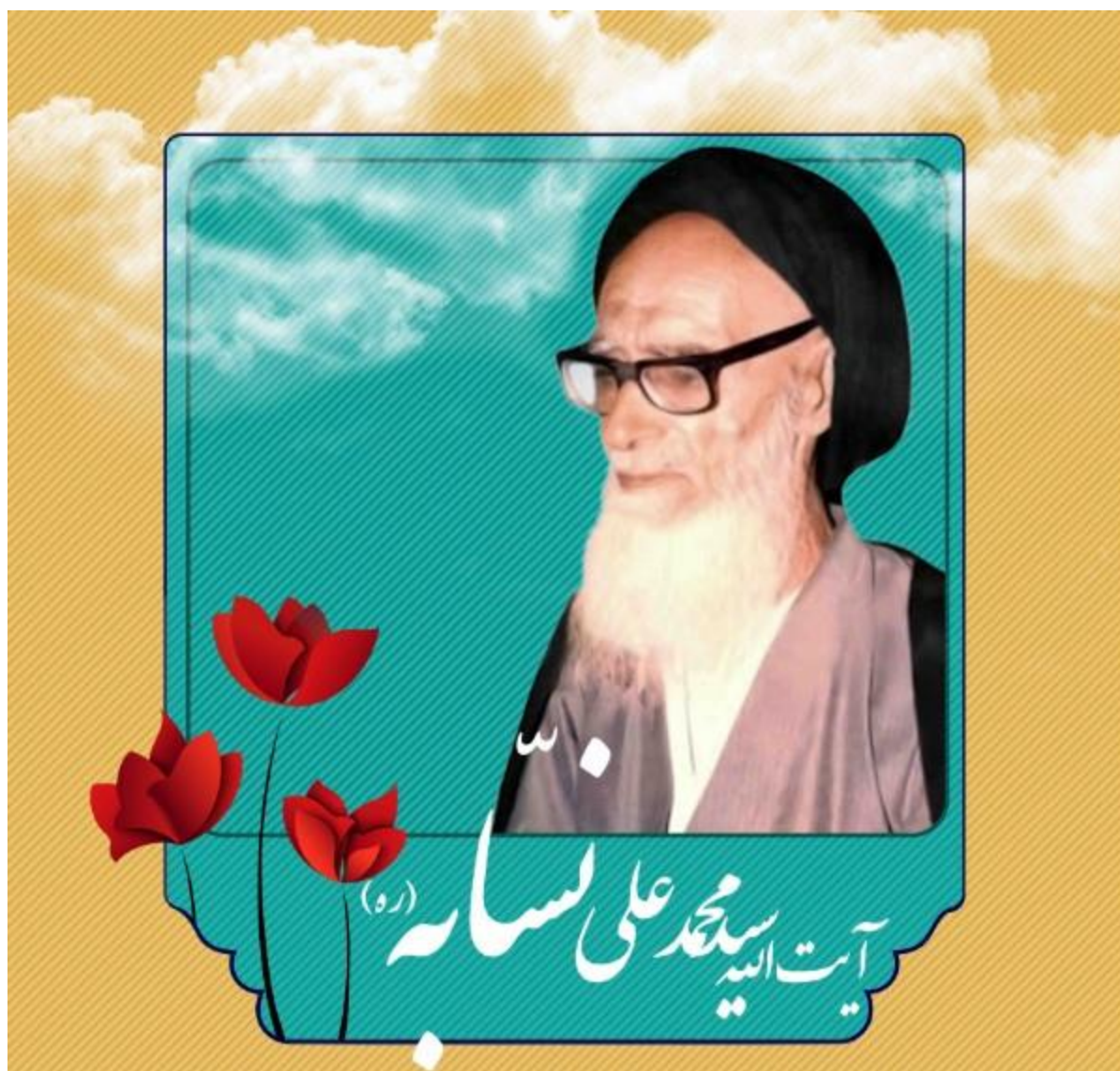


زندگینامه حضرت آیت الله حاج سید محمد علی نسابه (داراب)



برگرفته از کتاب سیماب داراب تألیف سید سیف الله نحوی

چه هوای سردی است! چرا طبیعت خاموش است. چرا زمزمه‌های دلنواز انسانیت به گوش نمی‌رسد؟ هر کسی در گوشه‌ای ساکت و آرام بسر می‌برد. گوئی زندگی یعنی تنها زمستان و تاریکی و سکوت. اما نه، نه، چنین نیست ناگهان غرشی سرتاسر سرزمینهای بی حرکت را لرزاند آری، آری، گویا زندگی عوض شد، گوئی زمستان تمام شد. گویا بهار آمد بهار بیداری. خورشید تابیدن گرفت. اسلام دوباره درخشیدن گرفت، آری فضای داراب هم روشن شد. شهر بیدار و گرم شد. مردم به کمک خورشید، دیو سیاه و ظلمانی زمستان را نابود کردند و ...

آری، آری، آمد، او آمد. «همزمان با خورشید بزرگ انقلاب، دوستداران خورشید هم آمدند. آری امام انقلاب طلوع نمود و سرزمینهای یخ زده و سرماخورده، جانی دیگر گرفتند خورشید انقلاب، سرتاسر ایران را از گرمای خود بهره‌مند نمود. اما بدنبالش او هم آمد او کیست؟ چگونه بود؟ نسابه را می‌گوییم. او بزرگ مشعل‌دار انقلاب بود. او که سرزمین بی جان داراب را به منبع نور و گرمای انقلاب آشنا نمود. آری از آیت الله نسابه می‌گوییم. او که ...

در این قسمت به بررسی خصوصیات و فعالیت‌های اسلامی و انقلابی آیت الله نسابه می‌پردازیم.

«آیت الله نسابه»:

آیت الله سید محمد علی نسابه، فرزند آیت الله آقای سید حسین نسابه فردی باتقوا و دانشمند و زاهد بود. مرحوم سید حسین فرزند مرحوم سید احمد اهل شیراز بود ولی در داراب سکونت نمود.

مرحوم سید حسین نسابه (پدر آیت الله نسابه) جهت عزیمت به عتبات عالیات به شهرستان لارستان رفته، ولی پس از مدتی مریض شده و سپس بهبودی می‌یابند. او در همان جا، ازدواج نمود. در این هنگام افراد متدین و با ایمان شهرستان لار، باتوجه به موقعیت اجتماعی و مذهبی منطقه حاجی‌آباد داراب، از وی دعوت نمودند که جهت امور مذهبی و فرهنگی مردم حاجی‌آباد داراب به آن منطقه عزیمت نماید. مرحوم سید حسین از این دعوت استقبال نمود و به آنجا عزیمت نمود و مردم حاجی‌آباد از وجود وی استفاده نمودند.

مرحوم سید حسین دارای سه فرزند پسر گردید که حضرت آیت الله نسابه یکی از آنان بود.

آیت الله نسابه در سن ۶ سالگی از نعمت وجود پدر محروم گردید اما برادر بزرگ وی (مرحوم سید احمد نسابه) سرپرستی او را به عهده گرفت آیت الله نسابه پس از تحصیل مقدمات و دروس فارسی، به داراب رفته و تحصیلات خود را تا کتاب شرح لمعه ادامه

داده و سپس به لارستان رفت. پس از چندی راهی نجف اشرف گردید و مدت ۱۷ سال در نجف و کربلا، در محضر استادان بزرگ آنجا به تحصیل علم و کمال و معارف بزرگ الهی پرداخت.

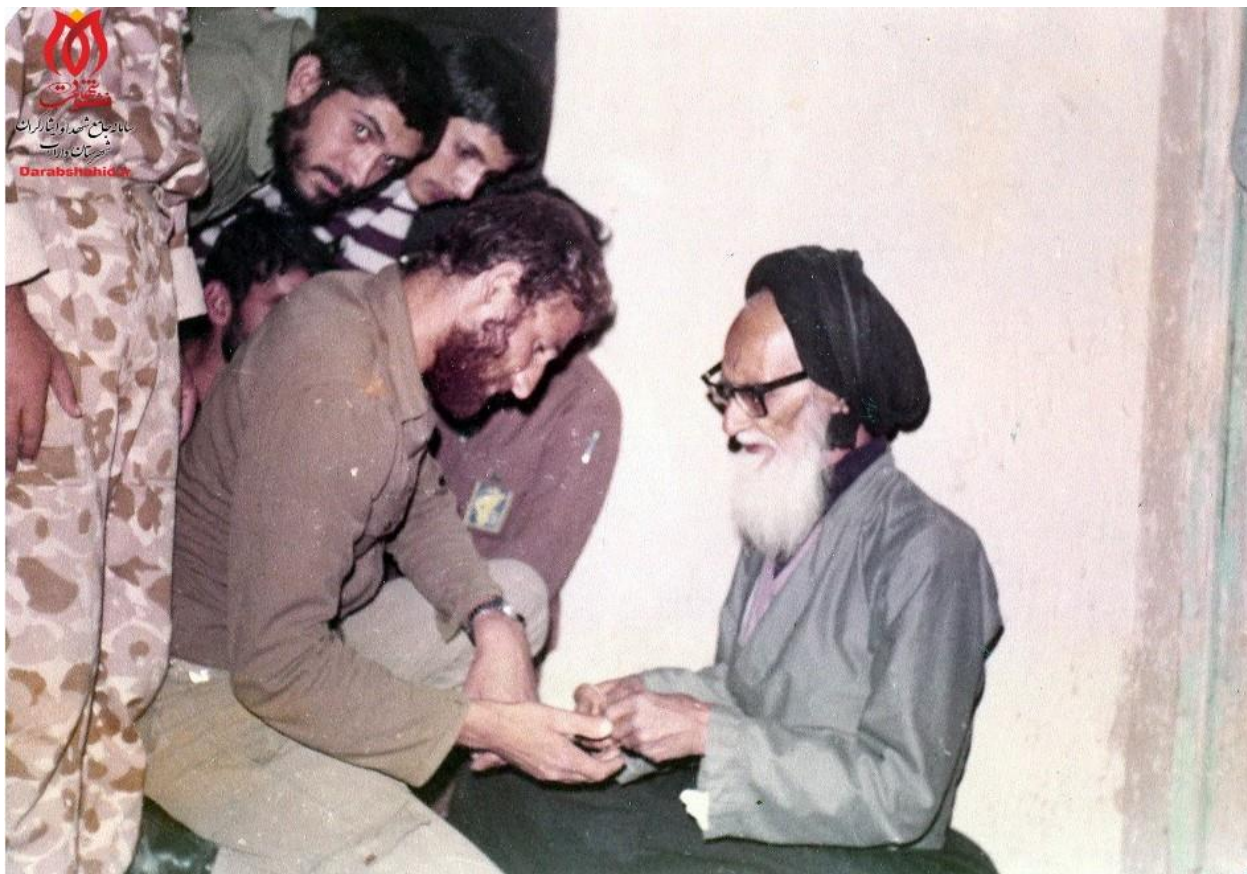
از اساتید آیت الله نسابه می توان عده‌ای را نام برد از جمله : حضرت آیت الله سید محمد هادی میلانی - آیت الله سید ابوالقاسم خوئی - آیت الله حاج حسین آقا حسین طباطبائی قمی - آیت الله شیخ محمد کاظم خراسانی و دیگر مراجع بزرگ عالم تشیع.

آیت الله نسابه در آنجا به مقام والی اجتهاد نائل گردید و پس از چندی جهت دیدار با بستگان خود به ایران آمد و وارد داراب شد و پس از مدتی به حاجی آباد (زرین دشت) رفته و مدتی در آنجا توقف نمود. در جریان ورود او به منطقه داراب و حاجی آباد، استقبال بسیار پرشوری از وی به عمل آمد.

او پس از مدتی مجدداً به نجف اشرف مراجعت نمود و به ادامه تحصیلات و اشتغالات علمی و معنوی پرداخت. در این هنگام اهالی داراب، حاجی آباد و حومه با تقاضاها و نامه‌های بسیاری از آیت الله نسابه دعوت نمودند که به منطقه مراجعه نماید، اما او در ابتدا با این درخواست موافقت ننموده تا اینکه بالاخره به سفارش و توصیه‌های استادان خود بویژه آیت الله شیخ محمد کاظم شیرازی، در سال ۱۳۳۲ وارد داراب گردید و در

مسجد مرحوم ملاعلی اکبر، به تدریس علوم حوزوی پرداخت و به تربیت طلاب اهتمام ورزید.

پس از توقف وی در داراب و برافروختن مشتعل درس و بحث و نورانی شدن منطقه داراب توسط نور درخشان حضرت آیت الله نسابه عده‌ای از بزرگان و علمای حوزه‌های علمیه از جمله حضرت حجه‌الاسلام والمسلمین مرحوم حاج میرزا محمد علی عندلیبی از قم و حضرت حجه‌الاسلام والمسلمین جناب آقای حاج شیخ محمد حسن عندلیبی از نجف اشرف به داراب آمده به تقاضای آیت الله نسابه، به تربیت و تدریس طلاب پرداخته و به امور دینی و مذهبی مشغول گردیدند.



خصوصیات اخلاقی:

از آنجا که براساس تعالیم و دستورات اخلاقی اسلام، انسان مسلمان باید پیامبر گرامی اسلام را نمونه و اسوه زندگی خود قرار دهد، آیت الله نسابه در رفتار و کردار خود به جد بزرگوارش یعنی رسول گرامی اسلام اقتدا نموده و از آن بزرگوار تبعیت می نمود.

او نمونه‌ای از اخلاق نیکو بود. زندگی ساده و بدون زرق و برق او زبانزد مردم بود. لباسی ساده و بی پیرایه می پوشید.

او با وجود اینکه در دریافت و گرفتن وجوهات شرعیه از مراجع تقلید بویژه از حضرت امام (ره) اجازه داشت، خود از وجوهات شرعیه کمتر استفاده می‌کرد و بیشتر مخارج زندگیش را از طریق نذورات مخصوص خودش تهیه می‌نمود.

او عالمی زاهد و بی‌علاقه به مسایل مادی بود. او از لابلای متون و دستورات اسلامی بخوبی دریافته بود که اگر کسی بخواهد راهنما و مقتدای مردم در امور دینی و مذهبی باشد خود می‌بایست قبلاً تزکیه شده و از همه وابستگی‌های دنیائی و مادی بدور بوده باشد تا کلام و گفتارهای او در قلوب مردم نفوذ کند.

بر این اساس هم خود از دنیا و عشق به آنها اکیداً امتناع می‌ورزید و هم دیگران را از دنیاپرستی و غرق شدن در دنیا برحذر می‌داشت.

آنگونه که نزدیکان وی گفته‌اند: او نسبت به لوازم اولیه زندگی خود، کیفیت غذا و مسائل فردی خود در کمال سادگی زندگی می‌کرد و هیچگونه تشریفاتی در امور زندگی وی به چشم نمی‌خورد.

آیت الله نسابه در حالیکه زندگی بسیار ساده‌ای داشت، از مناعت طبع و بزرگواری بسیار بالائی برخوردار بود. ثروت ثروتمندان را ناچیز می‌شمرد و هیچگاه به دیدن خوانین یا رؤسای شهربانی و فرمانداری و دیگر دست‌اندرکاران نظام طاغوت نمی‌رفت.

تمامی تلاش خود را در جهت بهبودی و تقویت آگاهی مذهبی و دینی مردم صرف نموده و نسبت به عمران و آبادی منطقه اهتمام بسیار می‌ورزید.

از خصوصیات دیگر ایشان، روحیه تواضع بود، تواضع وی نسبت به همه مردم از صفات بسیار روشن نامبرده بود. او نسبت به تمام مردم بویژه نسبت به اهل علم و روحانیون و طلاب متواضع بوده و احترام ویژه‌ای برای علماء و روحانیون قائل می‌شد.

آیت الله نسابه در قناعت کم نظیر بود، وی از لباس ساده استفاده می‌کرد.

عشق و علاقه وی نسبت به ائمه معصومین بسیار زیاد بود و در برپائی مجالس بزرگداشت امامان بسیار اهتمام می‌ورزید، بویژه در مصائب و عزاداریهای سرور شهیدان اباعبدالله الحسین (ع) شرکت می‌نمود و بطور مستمر جلسه روضه‌خوانی در منزل وی برقرار می‌گردید و نسبت به این موضوع بسیار سفارش می‌نمود بطوری که حتی پس از وفات او، جلسات روضه‌خوانی در همان خانه برقرار بوده و تا بحال ادامه دارد.

ضمناً این نکته قابل توجه می‌باشد که او از تربت حضرت امام حسین (ع) جهت شفای بیماران استفاده می‌نمود.

از مجموعه سخنان، حالات و خاطراتی که از این عالم جلیل‌القدر و عظیم‌الشأن بدست می‌آید، اینگونه برداشت می‌شود که:

آیت الله نسابه عالم و مؤمنی متقی و پارسا بوده و از روحيات معنوی و الهی بسیار بالائی برخوردار بوده و بر این اساس دارای فضیلتها و کرامات معنوی بوده است.



آیت الله نسابه و فعالیتهای انقلابی:

در این قسمت، تنها نگاهی گذرا به تلاشهای این مشعل دار انقلاب داراب می افکنیم.

آیت الله نسابه شخصاً به حضرت امام خمینی علاقه بسیار زیاد داشته و خود را پیرو و مطیع مقام ولایت فقیه می دانست.

ایشان در منطقه داراب، به روش خاص و بسیار ظریفی، جهت مرجعیت حضرت امام خمینی فعالیت می‌نمود. او در زمان مرجعیت آیت الله شاهرودی، به مردم سفارش می‌نمود که در مسائل و احکام احتیاطی، به آیت الله موسوی (امام خمینی) رجوع نموده و فتاوی و دستورات شرعی او را انجام دهند و بدین صورت بود که پس از وفات آیت الله شاهرودی بسیاری از مردم، امام خمینی را به عنوان مرجع تقلید خود دانسته و از او تبعیت می‌کردند و این امر در اثر فعالیت‌های آیت الله نسابه بود.

در سال ۱۳۴۲ که امام خمینی را دستگیر نموده بودند، آیت الله نسابه به عنوان اعتراض به تهران رفته و در تحصنی که از طرف علماء شهرستانها، انجام گرفته بود، شرکت نمود و از آن به بعد، در جهت بیداری مردم و مبارزه با طاغوت و سرنگونی رژیم، فعالیت‌های خود را شدت بخشید.

پس از ورود حضرت امام خمینی (ره) از فرانسه به ایران و پیروزی انقلاب اسلامی و حاکمیت اسلام و استقرار امام در شهر قم، آیت الله نسابه جهت دیدار و عرض تبریک با کاروان بسیار عظیمی به استقبال امام رفتند.

این روز که یکی از روزهای تاریخی و انقلابی مردم داراب بود حدود ۱۲ هزار نفر از مردم شهرستان داراب در رکاب آیت الله نسابه بطرف قم حرکت نموده و ضمن استقبال از

امام، با وی بیعت نمودند. در این مراسم تاریخی، دیدار امام با مردم شهرستان داراب در مدرسه فیضیه قم انجام گرفت.

آیت الله نسابه در زمان حاکمیت طاغوت، خود یکی از ارکان اصلی و اساسی بیداری مردم بود و علاوه بر این، از مبلغین مبارزی که جهت بیداری و آگاهی مردم به آن منطقه رفته بودند، با قاطعیت پشتیبانی و حمایت می نمود.

در زمان هویدای ملعون (نخست وزیر رژیم پهلوی) عده‌ای از فرقه گمراه بهائی، با حمایت و پشتیبانی نخست وزیر وقت به داراب آمده بودند که مسئولین محلی داراب هم مؤظف به حمایت از آنها بودند، اما با تدبیر آیت الله نسابه و عده‌ای از روحانیون مبارز، حدود ۱۰۰۰۰ نفر از مردم شهر داراب بر علیه آنان تظاهرات کرده و در فرمانداری تحصن نمودند که همین امر باعث شد که این عده بهائی از شهر داراب بیرون روند.



مردم منطقه داراب در جریان نهضت و انقلابی اسلامی خود با رهبریه‌ها و بیدارگریه‌ها و سفارشات مکرر آیت الله نسابه، توانستند هماهنگ با سیل عظیم مردم ایران، به مبارزه علیه ظلم و ستم و طاغوت پرداخته، بطوری که حدود ۵ ماه قبل از پیروزی انقلاب، عمال حکومت و حاکمان فارس (شیراز) سلطه و حاکمیتی بر داراب نداشته و داراب در دست مردم و روحانیون بویژه آیت الله نسابه بود.



داراب نسبت به حرکت‌های انقلابی در استان فارس مقام بسیار بالائی داشت و خدمات بسیاری را نسبت به انقلاب اسلامی انجام داد و اینها همه از وجود بابرکت آن عالم وارسته و خدائی بود.

در هنگام شروع جنگ تحمیلی از طرف عراق بر مردم ایران، مردم غیور و مسلمان این منطقه، بنابر وظیف شرعی خود به طرف جبهه‌ها روانه شدند و در جنگ بین حق و باطل،

رشادتهای بسیاری از خود شنان دادند و بیش از ۸۰۰ شهید به گلستان پاک و محمدی ایران تقدیم نموده و بیش از ۳۰۵۱ نفر از آنها مجروح و جانباز انقلاب اسلامی شده‌اند.

در این موقعیت، آیت الله نسابه، به پیروزی و تبعیت از امام و مقتدای خود یعنی رهبر کبیر انقلاب اسلامی، مردم منطقه داراب را به قیام مقدس و جهاد اسلامی فرا خواند و همه مردم را به شرکت در این جهاد مقدس و دفاع از دین و مملکت اسلامی برانگیخت و ضمن اطلاعیه‌ها و بیانات مختلفی جوانان و عشایر و قبایل و صنوف مختلف شهرستان داراب را به تبعیت و فرمانبرداری از امام عزیز دعوت نمود. آیت الله نسابه با بیانات نورانی خود، مردم و جوانان را با فرهنگ جبهه و جنگ آشنا کرد و در اثر همین روشنگریها بود که سیل عظیم بسیجیان داراب به طرف جبهه‌ها براه افتاد. از این عده در مراکز غیر شهری می‌توان به منطقه بزرگ ده‌خیر و روستای زیرآب اشاره نمود.

او خود عالمی مجاهد و مبارز بود و مجاهدین و مبارزین را دوست داشت. او همانند نور تابناکی بود که در پرتو آن نور، بسیجیان عاشق وظیفه و راه خود را تشخیص داده و با استفاده از روشنگری آیت الله نسابه، خود را به امام عاشقان و بسیجیان رساندند. آری اگر آیت الله نسابه نبود، داراب خاموش بود. روشنائی و گرمای هر منطقه‌ای، بستگی به نور و حرارت عالم ربانی آن منطقه دارد.

این مسائل مصداق همان روایت معروف است که فرمود:

«مداد العماء، افضل من دماء الشهداء: قلم و بیان عالم دینی، بهتر از خون شهید است زیرا اگر مداد و قلم عالم نباشد، اصلاً فرهنگ اسلام از جمله ارزش جهاد و شهادت آشکار نمی‌گردد. این شخصیت بزرگ اسلامی و این عالم باتقوا و وارسته همانند ستاره‌ای تابناک در سرزمین اسلامی ایران، بخصوص منطقه فارس و داراب بود که دوستداران نور یعنی مسلمانان پاکدل و انقلابیون قهرمان و بسیجیان مخلص و روحانیون آگاه و انقلابی، او را دوست داشته و تا ابد نسبت به او و راه او عشق می‌ورزند.

آیت الله نسابه، پس از مدتی بیماری، در شب اول محرم سال ۱۴۱۱ هجری قمری مصادف با اول مرداد ماه سال ۱۳۶۹ هجری شمسی در بیمارستان شهید خلیلی داراب به لقاء الله پیوست.

پس از انتشار خبر رحلت آیت الله، شهرستان داراب غرق در عزا و ماتم شده و مردم این منطقه احساس نمودند که پدری بزرگ و استادی دلسوز را از دست داده‌اند. مراسم بسیار باشکوه و تشیع جنازه وی بیانگر شدت علاقه و محبت مردم نسبت به آن مرد الهی بود.

پیکر مطهر او، پس از مراسم تشیع جنازه، در بیت معظم او (حسینیه آیت الله نسابه) به خاک سپرده شد.

(نامش جاودان و راهش پاینده باد)